

گماشتند (به جهانگیر قائم‌مقامی، ۱۳۵۵ ش، ص ۵۷؛ افسر، ص ۱۸-۲۲). ناتوانی دولت در پرداخت حقوق قره‌سورانها، بیهانه‌ای برای انگلیسیها فراهم کرد تا در امور داخلی ایران مداخله کنند. آنها در بانک شاهنشاهی ایران دفتر مخصوصی برای قره‌سورانها گشودند و با نظارت خزانه‌دار بلژیکی و بدون مداخله دولت مرکزی ایران حقوق قره‌سورانها را پرداخت کردند (کشف تلبیس، ص ۱۰۹-۱۱۰).

قره‌سورانها نیرویی نامنظم و نامتعهد بودند و از این رو در ۱۳۱۵ میرزاعلی‌خان امین‌الدوله، صدراعظم مظفرالدین‌شاه درصدد برآمد تا نیروی ژاندارم را جایگزین قره‌سورانها کند؛ اما در دربار مخالفان مانع از انجام‌گرفتن آن شدند (امین‌الدوله، ص ۲۵۷-۲۵۸).

در ۱۳۲۵، پس از تصویب قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام، وظایف قوای انتظامی کشور تفکیک شد. قشون، که حراست از مرزهای کشور را برعهده داشت، تابع وزارت جنگ شد و نظمی، ضبطیه و قره‌سوران تابع وزارت داخله (کشور) شدند. حفظ امنیت و آرامش شهرها، دهستانها (بلوکها) و راههای کشور به ترتیب برعهده نظمی، ضبطیه و قره‌سوران بود (به ایران. قوانین و احکام، ص ۲۸-۶۰؛ نیز به جهانگیر قائم‌مقامی، ۱۳۵۵ ش، ص ۷۸).

پس از برقراری مشروطه تشکیلات قره‌سورانها منحل گردید و سازمان جدیدی به نام امنیه دولتی در شمس‌العماره تشکیل شد و امنیه‌ها حفاظت از راهها را به‌عهده گرفتند. علیقلی (سردار اسعد) بختیاری به ریاست امنیه منصوب شد و برای ایجاد و توسعه امنیه قدرتمند دولتی، مقرر گردید هیئتی سه‌نفره آیین‌نامه‌های ژاندارمری کشورهای پیشرفته را بررسی و متناسب با مقتضیات کشور، آیین‌نامه‌ای را تدوین کند. اما موانع و مشکلاتی چون کمبود بودجه و فقدان نیروهای زنده و آگاه مانع از آن شد تا امنیه دولتی وظایفش را به‌خوبی انجام بدهد و امنیت مناطق مختلف کشور را تأمین کند، بنابراین پس از چندی، امنیه دولتی منحل و نظمی جایگزین آن گردید (افسر، ص ۲۲-۲۴).

نظمیه با تشکیلات جدیدی به ریاست پیرم‌خان* فعالیتش را آغاز کرد. در همان زمان نظمیه تصمیم گرفت برای تمرکز نیروهای انتظامی، حفاظت از راهها را به پلیس و حراست از شهرها را به ژاندارم پلیس واگذار کند. پیش از این اقدام، گردان سوار ژاندارم پلیس تشکیل شد تا در صورت موفقیت گردان، تمرکز نیروهای انتظامی صورت گیرد. وظیفه گردان حفاظت از حومه شهر تهران بود. افزون بر این، کمک به پلیس درون شهر و

شده‌اند و زنان را صبر از نان هست و از آینه نیست (ص ۹). یک شعر او نیز در مرگ فرزند خردسالش به نام ناصر است که اندوه بی‌کران شاعر را نشان می‌دهد (ص ۱۷).

آموخته‌ها و مطالعات ژاله از میان اشعارش پیداست و خاصه تأثیر سبک شعر شاعران قدیم، به‌ویژه شاعران سبک خراسانی در شعر او، از جمله منوچهری و ناصرخسرو و خاقانی و مولوی، یا تضمین ابیاتی از آنان و اشارات به آیات قرآن بیانگر مطالعات عمیق او و دانش گسترده‌اش از فرهنگ و ادبیات ایران است (به یوسفی، ص ۴۲۶).

اصغر سیدغراب مجموعه اشعار ژاله را به انگلیسی ترجمه کرده و دانشگاه هاروارد^۱ در بوستن امریکا آن را با عنوان <آینه ژاله: شعر عالم‌تاج ژاله قائم‌مقامی>^۲ در ۱۳۹۳ ش / ۲۰۱۴ منتشر کرده‌است.

منابع: حسین پیمان‌بختیاری، «گوشه‌هایی از زندگی او»، در ژاله قائم‌مقامی، عالم‌تاج قائم‌مقامی (ژاله) و هفت بررسی، [تدوین] روح‌انگیز کراچی، شیراز ۱۳۸۳ ش؛ ژاله قائم‌مقامی، دیوان، چاپ پیمان‌بختیاری، [تهران ۱۳۴۵ ش]؛ همو، عالم‌تاج قائم‌مقامی (ژاله) و هفت بررسی، [تدوین] روح‌انگیز کراچی، شیراز ۱۳۸۳ ش؛ کامیار عابدی، به‌رغم پنجره‌های بسته: شعر معاصر زنان، تهران ۱۳۸۰ ش؛ غلامحسین یوسفی، چشمه روشن: دیداری با شاعران، تهران ۱۳۶۹ ش.

/ مریم حسینی /

ژاندارمری، نیروی نظامی - انتظامی برای برقراری امنیت در نواحی برون‌شهری. ژاندارمری^۳ در اصل واژه‌ای فرانسوی است (مدرسی و همکاران، ذیل ماده). دولتمردان ایران برای نخستین‌بار در ۱۲۷۵ / ۱۸۵۹ از طریق نامه ناپلئون سوم به ناصرالدین‌شاه (حک: ۱۲۶۴-۱۳۱۳)، با سازمانی به نام ژاندارمری آشنا شدند که در فرانسه تشکیل شده بود. در این نامه به شاه تأکید شده بود که با تشکیل نیروی نظامی منظم و قوی، ایران بهترین کشور مشرق‌زمین خواهد شد (درباره این نامه به امین‌الدوله غفاری، قسمت ۱، ص ۴۳۸-۴۴۰). هرچند، تشکیل نیروی منظم که تابع دولت مرکزی باشد، تا دهه‌های بعد عملی نشد و تا دوره مشروطه همچنان شیوه قدیم راهداری متداول بود.

در دوره ناصری در قوای تأمینی اصلاحاتی صورت گرفت و نیروی قره‌سوران برای حفاظت از راهها تشکیل شد. قره‌سورانها تابع تشکیلات مرکزی نبودند و زیر نظر والی یا حاکم محلی خدمت می‌کردند. بعدها، با سپرده‌شدن امنیت راهها به خانهای هر منطقه، آنان رعایای خود را برای حفاظت از راهها

1. Harvard University

2. *Mirror of dew: the poetry of Ālam-Tāj Zhāle Qāem-Maqāmi*

3. gendarmerie